

Relationship between emotional problems, demographic variables and experience of psychological symptoms in Kurdistan University students in 2018

Hazhir Mahmodi Panah¹, Ayat Jafari¹, Fateh Sohrabi²

1.M.Sc of Clinical Psychology, Department of Psychology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran.

2. PhD Student of Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: F.sohrabi20@gmail.com

Received: 01/07/2020

Accepted: 11/10/2020

Abstract

Introduction: Emotional relationship with opposite sex is an important matter during university ages and affects students' function.

Aim: This study aimed at surveying the relationship between demographic variables of students with emotional problems and their attitude toward it.

Method: As a descriptive-survey study, among Kurdistan university students, through in-access sampling method, those who signed informed consent were selected as the sample of study. The asked-questions were about the experience of emotional relationship, failure and their attitude toward them. Using SPSS version 20, the raw data were analyzed by Ki-square and Spearman correlation coefficient tests.

Results: Finally 405 students (171 girls, 232 boys, 2 missed) with the mean age of 22 years old and 3.49 SD, completed the necessary data and questions. Results showed that emotional relationship is a popular experience among students. Beside its consequences, it is not necessarily negative. And along with problems it may be caused, the students have an acceptable attitude toward it. Also, there were not any gender differences in the severity of experienced symptoms after a failure experience, and the failure rate in these relationship decreased by the age.

Conclusion: Emotional relationship can make some bad experiences for students temporarily, but it seems that we have to note the other side, which seems to development stage that inevitably has its positive and negative sides.

KeyWords: Emotional relationship, Psychiatric symptoms, Demographic variables, Student

How to cite this article : Mahmodi Panah H, Jafari A, Sohrabi F. Relationship between emotional relationship, demographic variables and experience of psychological symptoms in Kurdistan University students in 2018, a qualitative study. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2020; 7 (5): 30-40 .URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-868-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

ارتباط بین مشکلات عاطفی، متغیرهای جمعیت شناختی و تجربه علائم روان پزشکی در دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۷

هژیر محمودی پناه^۱، آیت جعفری^۱، فاتح سهرابی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی روان شناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (مؤلف مسئول).

ایمیل: F.sohrabi20@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

مقدمه: رابطه عاطفی با جنس مخالف موضوع مهمی در دوران دانشگاه است و اثرات متعدد و متفاوتی بر عملکرد دانشجویان دارد.

هدف: هدف این مطالعه بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی با مشکلات عاطفی و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن بود.

روش: مطالعه حاضر مطالعه‌ای توصیفی از نوع پیمایشی بود که بر روی دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. به این منظور از طریق نمونه‌گیری در دسترس دانشجویانی که با رضایت شخصی اطلاعات مورد نیاز را تکمیل نمودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مجموعه‌ای پرسش‌های مربوط به تجربه روابط عاطفی بود. داده‌های به دست آمده از طریق نسخه بیستم SPSS با استفاده از روش‌های آماری خی دو و ضریب همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در پایان ۴۰۵ نفر از دانشجویان (۱۷۱ دختر و ۲۳۲ پسر، ۲ نامشخص) با میانگین سنی ۲۲ سال و انحراف استاندارد ۳/۴۹ اطلاعات لازم را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که روابط عاطفی پدیده شایعی است. با این وجود لزوماً دارای پیامدهای منفی نیست؛ و علی‌رغم مشکلاتی که ممکن است برای دانشجویان به بار بیاورد آنان دیدگاهی پذیرا نسبت به آن دارند. دو جنس تفاوتی در میزان مشکلات متعاقب گسست عاطفی تجربه نمی‌کنند و با افزایش سن از میزان این تجربیات کاسته می‌شود.

نتیجه‌گیری: روابط عاطفی اگرچه ممکن است به صورت موقت مشکلاتی برای دانشجویان به وجود بیاورد؛ اما به نظر می‌رسد که باید به جنبه‌های مثبت آن نیز توجه کرد و احتمالاً شیبه نوعی مرحله رشدی است که بالطبع جنبه‌های مثبت و منفی خاص خود را هم زمان با هم داراست.

کلیدواژه‌ها: روابط عاطفی، علائم روان پزشکی، متغیرهای جمعیت شناختی، دانشجویان

مقدمه

نوجوانی مرحله تحولی حائز اهمیتی در زندگی انسان است که در آن ارتباط بین فردی به ویژه روابط عاطفی با دگر جنس اهمیت چشمگیری پیدا می کند (هاولی، ماهونی، پارگامنت و گوردون^۱، ۲۰۱۵). به صورتی که بیشتر از نصفی از دانشجویان دانشگاه تجربه ارتباط عاطفی را گزارش کرده اند (سهرابی، یوسفی و محمودی پناه، ۱۳۹۸). علاوه بر افزایش در تعداد روابط عاشقانه، مدت و شدت این گونه روابط با توجه به جنسیت و سن افراد متغیر است (فرانکلین^۲، ۲۰۱۵)؛ اما همراه با افزایش احتمال برقراری ارتباط، تجربه‌ی شکست در این روابط نیز افزایش پیدا می کند.

یکی از آسیب‌زاترین رویدادهای است جوانان در طول زندگی خود تجربه می کنند، پایان روابط عاطفی است (کامرون، پالم و فولته^۳، ۲۰۱۰؛ استویک، فینکل، کرشنا موراتی و لوینشتاین^۴، ۲۰۰۸) که تأثیرات بادوامی را بر سلامت روان افراد می گذارد (بوآلس^۵، ۲۰۱۴؛ پیریلوکس و باس^۶، ۲۰۰۸)؛ اما فرجام این روابط دربرگیرنده نتایج گوناگونی است که از شکست و نتایج منفی تا تجارب مثبت را شامل می شود. رضایت پایین از زندگی و آشفتگی روانی (روهیدز، کمپ داش، اتکینز، استانی و مارکمن^۷، ۲۰۱۱)، خواب مختل (فیلد، دیگو، پیلاز، دیدس و دلگادو^۸، ۲۰۰۹)، خودکشی و سوء مصرف مواد (والر و مک دونالد^۹، ۲۰۱۰) از پیامدهای منفی شکست در این روابط است. از دیگر نشانه‌های

مرضی اختلال روانی که پس از این روابط پدیدار می - گردند به استرس پس از ضربه^{۱۰}، سوگ پیچیده (بولن و ریجنتیس^{۱۱}، ۲۰۰۹) و اضطراب (چونگ و هانت^{۱۲}، ۲۰۱۴) اشاره شده است.

اما همیشه این گونه نیست، در واقع همه‌ی افراد در پاسخ به رویدادهای ناگوار مانند شکست رابطه‌ی عاطفی دچار مشکلات و ناراحتی نمی شوند (مارشال، بژانیان و فرنزی^{۱۳}، ۲۰۱۳). برخی از محققان مانند سارا هبرت^{۱۴} و ناتالی پاپادیوک^{۱۵} در سال (۲۰۰۸) مطالعه‌ای کیفی به منظور کاوش عمیق در تجارب افراد پس از پایان رابطه انجام دادند. نتایج آنان نشان داد که اکثر افراد علاوه بر تجارب ناگوار، تجارب مثبت و سازنده‌ای را پس از پایان رابطه عاطفی تجربه کرده بودند و زمانی که در مورد مهم‌ترین تغییر سؤال می شد آنان به تغییرات مثبت اشاره می کردند. همچنین در بعضی از پژوهش‌های داخلی ارتباط معناداری بین شکست عاطفی با تجربه‌ی اضطراب (محمودی پناه، سهرابی و جعفری، ۱۳۹۸) و افسردگی یافت نشده است (یوسفی، جعفری، محمودی پناه و سهرابی، ۱۳۹۸). همان گونه که اشاره شد در مورد پایان رابطه عاطفی و تأثیرات آن در مطالعات موجود توافق یکدستی وجود ندارد و نیازمند تحقیقات بیشتری در این زمینه است.

البته برخی محققین شدت ناراحتی و مشکلات پس از پایان رابطه را با عواملی گوناگونی مرتبط می دانند (برانمن، لاد- لوئرینگ هاووزر، گودمن و سوکول^{۱۶}، ۲۰۱۶؛ تردست و امان الهی، ۱۳۹۴). جنسیت یکی از این

1- Hawley, Mahoney, Pargament & Gordon

2- Franklin

3- Cameron, Palm & Follette

4- Eastwick, Finkel, Krishnamurti & Loewenstein

5- Boals

6- Perilloux & Buss

7- Rhoades, Kamp Dush, Atkins, Stanley & Markman

8- Field, Diego, Pelaez, Deeds & Delgado

9- Waller & MacDonald

10- Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD)

11- Boelen & Reijntjes

12- Chung & Hunt

13- Marshall, Bejanyan & Ferenczi

14- Sarah Hebert

15- Natalee Popadiuk

16- Bronfman, Ladd-Luthringshauser, Goodman & Sockol

با دانشگاه است، احتمال وقوع آن بیشتر نیز می‌گردد. بسیاری از تحقیقات به مطالعات عواقب و مسائل روان‌شناختی متعددی که به دنبال آن به وجود می‌آید، تأکید می‌کنند. درحالی که مطالعات دیگری چنین نتایجی را به دست نیاورده‌اند و به طیف گوناگون تجارب مرتبط با آن اشاره می‌کنند؛ بنابراین از آنجایی که تجارب و مشکلات هیجانی به طور کلی و بالأخص در این سنین دغدغه مهمی برای متخصصان حوزه سلامت روان است (گیلبرت و سیفرس^۶، ۲۰۱۱). همچنین شناخت و فهم واضح‌تری از این فرایند و داشتن بینش دقیق‌تری از آن همراه با درک عوامل گوناگون مرتبط با این پدیده می‌تواند در مواجهه با چنین مشکلاتی بسیار راهگشا باشد و بینش مفیدتری در اختیار متخصصین حوزه سلامت که در دانشگاه‌ها مشغول به فعالیت هستند، قرار دهد. از این رو پژوهش حاضر بر آن است که ارتباط مشکلات عاطفی و تجربه علائم روان‌پزشکی و دیدگاه نسبت به این مسائل و همچنین ارتباط آن با مؤلفه‌های جمعیت شناختی را در دانشجویان دانشگاه کردستان سال ۱۳۹۷ بررسی کند.

روش

این مطالعه از نوع مطالعه کیفی است که در آن دانشجویان دانشگاه کردستان به عنوان جامعه پژوهش بودند، در سال ۱۳۹۷ انجام شد. به این منظور از طریق نمونه‌گیری در دسترس، دانشجویانی که با رضایت شخصی پرسشنامه‌ها و سؤال‌های کیفی مربوط به پژوهش را پاسخ دادند به عنوان نمونه انتخاب شدند. این فرایند نمونه‌گیری در بازه زمانی سه ماهه (دی ماه ۱۳۹۷ تا اسفند

عوامل است که با شدت ناراحتی پس از پایان رابطه ارتباط دارد (فیلد و همکاران، ۲۰۰۹). در پژوهشی که هاموک^۱ و ریچاردسون^۲ در (۲۰۱۱) انجام دادند مشخص شد که مردان پس از رابطه بیشتر ناراحت و آشفته می‌گردند؛ اما پژوهش‌های دیگری حکایت از آن دارند که زنان نسبت به مردان به دنبال شکست رابطه بیشتر ناراحت می‌شدند و همچنین از افسردگی شدیدتری رنج می‌برند؛ اما مردان با احتمال بیشتر پس از طرد از رابطه اقدام به خودکشی کنند (وارپ، جنکینز، کالاهان و نولین^۳، ۲۰۱۶). با این وجود یافته‌هایی نیز وجود دارد که به تفاوت معناداری بین مردان و زنان دست پیدا نکرده‌اند (لوکر، مکینتوش، هاکنی و ویگان^۴، ۲۰۱۰). می‌توان گفت که نقش جنسیت در ناراحتی پس از رابطه نتایج مغایری وجود دارد که نیازمند تحقیقات بیشتری است (فیلد، دیگو، دیدس و دلگادو، ۲۰۱۰). سن نیز از دیگر عوامل مؤثر در تجربه ناراحتی پس از رابطه است چراکه شکست رابطه عاطفی در اوایل جوانی تأثیر هیجانی بسیاری دارد (چن، گو، یانگ، لی، دوان، ژانگ و ژی^۵، ۲۰۰۹)؛ اما یافته‌های نیز وجود دارد که ارتباط معناداری بین ناراحتی پس از پایان رابطه عاطفی با سن را به دست نیاورده‌اند (برونفمن و همکاران، ۲۰۱۶) به طور کلی سن از جمله عواملی است که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است و روشن ساختن نقش آن نیازمند تحقیقات بیشتری در این زمینه است (وارپ و همکاران، ۲۰۱۶).

بنابراین، می‌توان گفت که رابطه عاطفی پدیده‌ای شایع است و در سنین نوجوانی و جوانی، سال‌های که مصادف

¹- Hammock

²- Richardson

³- Wrape, Jenkins, Callahan & Nowlin

⁴- Locker, McIntosh, Hackney, Wilson & Wiegand

⁵- Chen, Guo, Yang, Li, Duan, Zhang & Ge

⁶- Gilbert & Sifers

شرکت کنندگان ۲۲/۹۵ با انحراف استاندارد ۳/۴۹. از میان شرکت کنندگان ۳۶۸ نفر (۹۳/۹٪) مجرد و ۲۴ نفر (۵/۹٪) متأهل بودند ۱۲ نفر نیز به این سؤال پاسخ نداده بودند. از لحاظ مقطع تحصیلی ۲۵۷ نفر (۶۳٪) در مقطع کارشناسی، ۱۴۲ نفر (۳۵/۱٪) در مقطع کارشناسی ارشد و ۵ نفر (۱/۲٪) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند.

به طور کلی ۲۹۳ نفر (۶۰ درصد) از دانشجویان بیان کرده‌اند که رابطه عاطفی داشته‌اند و ۱۱۶ نفر (۲۸/۶ درصد) رابطه عاطفی نداشته و نزدیک به ۴۶ نفر نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند. از این میان ۱۷۳ نفر (۴۸/۳ درصد) نفر بیان کرده‌اند که شکست عاطفی را تجربه کرده‌اند. قریب به ۳۰۰ نفر (۷۴/۱ درصد) از دانشجویان دیدگاهی پذیرا نسبت به رابطه عاطفی داشتند و ۷۶ نفر (۱۸/۸ درصد) آن را تجربه‌ای منفی و غیر قابل قبول دانستند و سایرین نیز ۲۹ نفر (۷/۲ درصد) نظری نداشتند. در کل ۱۰۵ نفر (۲۵/۹ درصد) درگیر رابطه عاطفی بودند و ۲۳۴ نفر (۵۷ درصد) در گذشته آن را تجربه کرده‌اند و حدود ۴۵ نفر (۱۶ درصد) تجربه آن را گزارش نکردند. در مورد تجربه علائم روانی ۹۴ نفر (۲۳/۳٪) اعلام کردند که هیچ مشکل خاصی را تجربه نکرده‌اند؛ اما سایرین که ۲۹۰ نفر (۷۱/۷٪) را شامل می‌شد، مشکلاتی از قبیل مشکلات خانوادگی، مشکلات تحصیلی، مشکلات هیجانی گزارش دادند. به منظور بررسی رابطه جنسیت و مقطع تحصیلی با دیدگاه نسبت به آن، تجربه روابط عاطفی، تجربه شکست و همین‌طور مشکلات بعد از آن از آزمون خی دوی دو متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

ماه ۱۳۹۷) صورت گرفت که در پایان ۴۰۵ نفر از دانشجویان پرسش‌های کیفی مورد نظر پاسخ دادند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش هیچ‌گونه اطلاعات هویتی شرکت کنندگان در پرسشنامه‌ها درج نشده و از روش کدگذاری پرسشنامه‌ها استفاده شد. در ضمن صرفاً از کسانی که رضایت کامل داشتند اطلاعات مربوطه اخذ گردید. در پایان نتایج حاصله از طریق نسخه ۲۰ نرم‌افزار آماری SPSS با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (همبستگی اسپیرمن و خی دو) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار

در این پژوهش از ابزار ساختار یافته‌ای استفاده نشد بلکه متناسب با هدف پژوهش از سؤال‌های خاصی در ارتباط با تجارب مربوطه استفاده شد. سؤال‌های کیفی مورد نظر شامل سؤال‌هایی بود که به ترتیب راجع به داشتن رابطه عاطفی، دیدگاه نسبت به آن، تجربه شکست در رابطه عاطفی با جنس مخالف و میزان تحت تأثیر آن قرار گرفتن و همچنین حالات تجربه شده ناشی از آن بودند که همراه با آن‌ها علاوه بر اطلاعات جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، نیز از آنان اخذ گردید.

یافته‌ها

در پایان ۴۰۵ نفر از دانشجویان به اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها را پاسخ دادند. در مجموع ۱۷۱ (۴۲/۲٪) از شرکت کنندگان دختر و ۲۳۲ نفر (۵۷/۳٪) پسر بودند و دو نفر نیز به این سؤال پاسخ نداده بودند. میانگین سنی کل

جدول ۱ نتایج آزمون خی دو متغیره برای بررسی رابطه جنسیت و مقطع تحصیلی با روابط عاطفی، دیدگاه نسبت به آن و تجارب بعد از آن

متغیرها	معتبر	از دست رفته		کل		معناداری	درجه آزادی	ارزش	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی							
جنسیت* داشتن یا عدم رابطه عاطفی	۳۷۵	۸۸/۱	۴۸	۱۱/۹	۴۰۵	۰/۱۶۵	۱	۲/۲۵۷	۱۰۰	۴۰۵	۱۱/۹	۴۸
جنسیت* دیدگاه نسبت به رابطه عاطفی	۳۷۵	۹۲/۶	۳۰	۷/۴	۴۰۵	۰/۰۴۹	۱	۴/۱۷۱	۱۰۰	۴۰۵	۷/۴	۳۰
جنسیت* تجربه یا عدم تجربه مشکلات	۳۳۷	۸۳/۲	۶۸	۱۶/۸	۴۰۵	۰/۱۰۵	۱	۲/۸۰۲	۱۰۰	۴۰۵	۱۶/۸	۶۸
مقطع تحصیلی* تجربه یا عدم تجربه شکست	۳۵۳	۸۷/۲	۵۲	۱۲/۸	۴۰۵	۰/۰۶۷	۳	۰/۱۴۳	۱۰۰	۴۰۵	۱۲/۸	۵۲
مقطع تحصیلی* تجربه یا عدم تجربه مشکلات	۳۳۴	۸۲/۵	۷۱	۱۷/۵	۴۰۵	۰/۱۴۱	۳	۰/۲۲۷	۱۰۰	۴۰۵	۱۷/۵	۷۱
مقطع تحصیلی* دیدگاه نسبت به رابطه عاطفی	۳۷۲	۹۱/۹	۳۳	۸/۱	۴۰۵	۰/۶۹۴	۳	۰/۰۶۲	۱۰۰	۴۰۵	۸/۱	۳۳

مشکل خاصی را تجربه نکرده‌اند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد ($p=0/105$). به این معنا دو جنس در تجربه مشکلات متعاقب روابط عاطفی تفاوتی نشان ندادند. در مورد ارتباط بین جنسیت و دیدگاه نسبت روابط عاطفی، در مجموع قریب به ۸۰ درصد (۴۵ درصد پسران و نزدیک به ۳۵ درصد دختران) از افراد گروه نمونه دیدگاهی پذیرا نسبت به روابط عاطفی داشتند و ۲۰ درصد (۱۴ درصد پسران و ۶ درصد دختران) دیگر آن را تجربه‌ای قابل قبول نمی‌دانستند. نتایج حاکی از ارتباط معنی‌دار بین دو متغیر بود ($p=0/049$)، به این صورت که پسرنی که دیدگاه منفی بیشتری نسبت به روابط عاطفی داشتند که به طور معنی‌داری بیشتر از دختران بودند.

نتایج نشان داد که در مجموع ۶۷ درصد (۳۹ درصد پسران و ۲۸ درصد دختران) گروه نمونه تجربه روابط عاطفی را گزارش کردند سایرین که ۳۳ درصد (نزدیک به ۲۱ درصد پسران و قریب به ۱۱ درصد دختران) گروه نمونه را شامل می‌شدند بیان کرده بودند که روابط عاطفی نداشته‌اند. نتایج آزمون خی دوی دو متغیره نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد ($p=0/165$). ضریب همبستگی فی کرامر نیز ارتباط ۰/۱۳۳ بین دو متغیر را نشان داد. همچنین در مورد تجربه مشکلات بعد از آن نیز ۷۲ درصد از دانشجویان (۲۹۱ نفر، ۴۵ درصد پسران (۱۸۲ نفر) و ۲۷ درصد دختران (۱۰۹ نفر)) اظهار داشتند که مشکلاتی را تجربه کرده‌اند و ۲۷ درصد (۱۰۹ نفر) مابقی نیز (۱۴ درصد پسران (۵۷ نفر) و ۱۳ درصد دختران (۵۲ نفر)) اعلام کرده‌اند که

کلموگروف اسمیرنوف ۰/۸۱۵ با سطح معناداری ۰/۵۲۰). به این معنا دو جنس در تجربه نوع خاصی از مشکلات تفاوتی با یکدیگر نداشتند. به منظور بررسی رابطه بین سن و تجربه یا عدم تجربه مشکلات و همچنین پذیرش یا عدم پذیرش رابطه عاطفی و همین طور شکست یا عدم آن از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد (جدول ۲).

همچنین نتایج نشان داد که بین مقطع تحصیلی با دیدگاه نسبت به روابط عاطفی ($p=0/694$)، مقطع تحصیلی با میزان مشکلات متعاقب روابط عاطفی ($p=0/141$) و مقطع تحصیلی با تجربه شکست بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد ($p=0/067$). به منظور بررسی رابطه بین جنسیت و نوع مشکلات تجربه شده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف دو بعدی استفاده شد. نتایج آزمون رابطه معنی داری بین این دو متغیر نشان نداد (اماره

جدول ۲ نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای سن با روابط عاطفی، دیدگاه نسبت به آن و تجارب بعد از آن

روابط عاطفی		سن	
تجربه شکست	مشکلات عاطفی	ضریب همبستگی	معناداری
۳۵۴	۳۳۴	-۰/۱۱۳*	۰/۰۳۴
۳۷۴		-۰/۰۶۴	۰/۲۱۹

معناداری در سطح ۰/۰۵

۲۰۱۶) و عنوان می‌کنند که جنسیت با میزان ناراحتی پس از رابطه ارتباط دارد (فیلد و همکاران، ۲۰۱۰) و مجموعه دیگری از مطالعات رابطه در این زمینه نیافتند (لوکر و همکاران، ۲۰۱۰). نتایج این مطالعه همگام با مجموعه دوم از تحقیقات ارتباط جنسیتی خاصی را نیافت غیرازاینکه پسران بیشتر از دختران دیدگاه منفی نسبت به روابط عاطفی نشان دادند. در مورد اینکه آیا دختران بیشتر از این فرایند جدایی و شکست در رابطه عاطفی متأثر می‌شوند یا پسران به نظر می‌رسد که تبیین‌های دیگری داشته باشد. مطالعاتی که به بررسی این فرایند پرداخته‌اند عموماً تبیین نحوه واکنش به چنین شکست‌هایی را به مسائل مربوط به پیوند دلبستگی ربط می‌دهند و بیان می‌کنند که پیوند دلبستگی مناسب پیش‌بینی کننده مناسبی برای واکنش پخته در این چنین روابطی خواهد بود (مارشال و

همان‌طور که در جدول آمده است نتایج نشان داد که بین سن و مشکلات عاطفی ($p=0/631$)، همچنین دیدگاه نسبت به آن رابطه معنی داری وجود ندارد ($p=0/219$). با این وجود تجربه شکست با افزایش سن همبستگی منفی معناداری ($p=0/034$) نشان داد که با افزایش سن میزان شکست در روابط عاطفی کاهش می‌یابد.

بحث

هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین تجربه روابط عاطفی و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت شناختی و دیدگاه دانشجویان نسبت به آن بود. در مورد ارتباط بین جنسیت و واکنش به فقدان و متأثر شدن از آن نتایج متفاوتی وجود دارد که بعضی از محققین یکی از دو جنس را بیشتر از دیگری متأثر می‌دانند (هاموگ و ریچاردسون، ۲۰۱۱؛ وارپ و همکاران، ۲۰۱۶؛ برونفمن،

همکاران، ۲۰۱۳؛ سادوک و سادوک^۱، ۲۰۱۱). همچنین بعضی مطالعات پیوند بین شکست و واکنش در روابط را به مسائل شناختی مانند عزت نفس، انعطاف شناختی و سبک‌های اسنادی ربط داده‌اند (جانسون، پاناگیوتی، باس، رمزی و هریسون^۲، ۲۰۱۷)؛ بنابراین تبیین این تجارب را بیشتر باید متناسب با این مقوله‌ها بررسی کرد تا جنسیت که تعیین‌کنندگی کمتری دارد. مقطع تحصیلی نیز نقش مؤثری در رابطه با مسائل عاطفی و دیدگاه نسبت به آن نشان نداد که با نتایج بروفمن و همکاران (۲۰۱۶) همخوان است. این مسئله در میان پژوهش‌های انجام گرفته خیلی کم مورد توجه واقع شده است که؛ اما مشخص شد که به موازات افزایش سن تجربیات شکست نیز کاهش می‌یابد. این مورد می‌تواند دلایل احتمالی خاصی داشته باشد. شاید دلیل کاهش آن به خاطر این باشد که خیلی از افراد در سنی بالاخره به فردی وابسته شده و رابطه با وی را ادامه داده که این افزایش احتمال وابستگی با افزایش سن ارتباط دارد و به همین دلیل آثار ناپختگی‌های اولیه در روابط بین فردی کاسته و به موازات آن نیز گزارش آن کاهش می‌یابد.

هرچند این مطالعه نیز همانند خیلی از مطالعات دیگر جنبه‌های منفی و عوارض ناخوشایند ناشی از تجربیات شکست عاطفی بررسی کرده‌اند (بوآلس، ۲۰۱۴؛ پرلوکس و باس، ۲۰۰۸)؛ اما با توجه به اینکه رابطه واضحی نیز در این زمینه به دست نیامد و همگام با مطالعاتی که جنبه‌های مثبتی را برای آن برشمرده‌اند (هربرت و پاپادیک، ۲۰۰۸؛ مارشال و همکاران، ۲۰۱۳). در مجموع باید خاطر نشان ساخت که اغلب مطالعات به جنبه‌های مرضی و آسیب‌شناختی پس از پایان رابطه

عاطفی می‌پردازند و از تجارب مثبت آن غفلت می‌ورزند. همچنین تجارب منفی به صورت بلافاصله پس از پایان رابطه خود را نشان داده و توجه را به سوی خویش جلب می‌کنند، در صورتی که تغییر و دگرگونی‌های مثبت مانند پختگی و رشد پس از آسیب اغلب به تدریجی و به آرامی به وقوع می‌پیوندند و احتمالاً در طولانی مدت بیشتر وضوح می‌یابد. همچنین می‌توان اشاره کرد که بیشتر تحقیقات کمی به گونه‌ای طراحی و اجرا شده‌اند که چندان ژرفای این تجربه را مورد مذاقه قرار نمی‌دهند تا از لایه‌های پنهان آن فهم عمیق‌تری کسب کنند، در صورتی که ماهیت این تجربه به گونه‌ای است که در تحقیقات کیفی و عمقی ابعاد پنهان بیشتری را نشان می‌دهد که در برگیرنده تجارب رشد و بهبودی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که پیوند عاطفی تجربه‌ای شایع در میان دانشجویان است و نزدیک به دوسوم دانشجویان آن را تجربه می‌کنند. همچنین مطالعه ما نشان داد که بر خلاف تصور رایج که عموماً از آن به عنوان تجربه‌ای منفی یاد می‌کنند و علی‌رغم اینکه بیشتر آنان متعاقب آن رابطه دچار مشکلاتی از قبیل مشکلات تحصیلی، هیجانی، خانوادگی و ... شدند با این وجود اغلب دانشجویان (بیشتر از دوسوم) دیدگاهی مثبت و پذیرا نسبت به آن داشته و آن را تجربه‌ای خوشایند و مفید عنوان کردند. همچنین جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در داشتن یا نداشتن رابطه عاطفی و تجربه مشکلات بعد از آن نداشت و برخلاف تصور رایج دختران مشکلات بیشتری را بعد از رابطه تجربه نمی‌کنند و دو جنس تفاوتی در آن نشان ندادند. علاوه بر این پسران دیدگاه منفی بیشتری از

¹- Sadock & Sadock

²- Johnson, Panagiotti, Bass, Ramsey & Harrison

محرمانگی و حفظ حریم شخصی شرکت کنندگان در مطالعه کاملاً رعایت شد؛ اما نمی توان گفت که این رفتارها نیز تضمین کننده و رافع تمامی موانع باشد، چرا که هیجان های ناخوشایندی همچون شرم و احساس گناه صحبت کردن در مورد روابط عاطفی خاتمه یافته را تبدیل به امر مشکلی می کند. همچنین استفاده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته که امکان برقراری ارتباط بیشتری را فراهم می کند هم به عمق اطلاعات می افزاید هم زمینه ای برای اعتماد بین فردی بین پژوهش گر و شرکت کننده را فراهم می کند و صرفاً متکی به ابزار پژوهش نیست که می تواند رد مطالعات آتی مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد.

سپاسگزاری

از کلیه دانشجویان گرامی که در تکمیل اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش یاریگر ما بودند سپاسگزاریم.

References

- Boaks A. (2014). Using Event Centrality to Predict Depressive Symptoms after a Romantic Conflict: A Prospective Design. *Applied Cognitive Psychology*, 28(2), 259-265.
- Boelen PA, & Reijntjes A. (2009). Negative cognitions in emotional problems following romantic relationship break-ups. *Stress and Health*, 25(1), 11-19.
- Bronfman G, Ladd-Luthringshauser H, Goodman LR, & Sockol LE. (2016). Predictors of Breakup Distress Among Residential College Students. *College Student Affairs Journal* 34(3), 3-12.
- Cameron A, Palm K, & Follette V. (2010). Reaction to stressful life events: What predicts symptom severity? *Journal of Anxiety Disorders*, 24(6), 645-649.

دختران نسبت به روابط عاطفی نشان دادند. همچنین مقطع تحصیلی رابطه معناداری با هیچ یک از متغیرها نشان نداد؛ اما مشخص شد که با افزایش سن تجربیات شکست کاهش پیدا می کند.

به نظر می رسد که پرداختن به جنبه های مثبت این روابط نیز مفید باشد. از این روی، برای مطالعات آتی پیشنهاد می شود که جنبه های مثبت این تجارب نیز بیشتر مورد بررسی قرار بگیرند. علاوه بر این، بررسی بیشتر مسائل عاطفی در ارتباط با سبک های دلبستگی و مؤلفه های شناختی می تواند دانش مفیدی را برای ما در بر داشته باشد و می تواند موضوع مناسبی برای تحقیقات آتی باشد.

همچنین مطالعه و تبیین روان شناختی این تجارب بر اساس نظریه های رشدی و تطبیق آن با مراحل رشدی جوانان در این سنین، می تواند مطالب مفیدی را آشکار سازد. بدین منظور بررسی هایی در قالب مطالعات طولی می تواند دلالت ها و بینش های بیشتری در این زمینه به دست دهد که خیلی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع فرهنگ و مسائل فرهنگی یکی از جنبه های خیلی مهم خصوصاً در مسائل ارتباطی است و یکی از محدودیت این مطالعه می تواند به عدم مذاقه کافی در مسائل فرهنگی در شرکت کنندگان مربوط باشد که فراتر بودجه و امکانات مالی و زمانی ما بود که نیاز به مطالعه عمقی و بررسی طولانی مدت دارد. همچنین از آنجایی که تجربه روابط عاطفی در جامعه ما تجربه ای است که حساسیت های فرهنگی خاصی در مورد آن وجود دارد. در نتیجه افراد چندان مایل نیستند که در مورد این روابط اطلاعاتی را در اختیار دیگران قرار دهند که یکی از محدودیت های دیگر مطالعه ما بود. هر چند که تلاش بر این بود که این جنبه تا حد امکان خنثی شود و اصول رازداری و

- Chen Z, Guo F, Yang X, Li X, Duan Q, Zhang J, & Ge X. (2009). Emotional and Behavioral Effects of Romantic Relationships in Chinese Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(10), 1282-1293.
- Chung MC, & Hunt LJ. (2014). Posttraumatic Stress Symptoms and Well-Being Following Relationship Dissolution: Past Trauma, Alexithymia, Suppression. *Psychiatric Quarterly*, 85(2), 155-176.
- Eastwick PW, Finkel EJ, Krishnamurti T, & Loewenstein G. (2008). Mispredicting distress following romantic breakup: Revealing the time course of the affective forecasting error. *Journal of Experimental Social Psychology*, 44(3), 800-807.
- Field T, Diego M, Peheez M, Deeds O, & Delgado J. (2009). Breakup distress in university students. *Adolescence*, 44(176), 705-727.
- Field T, Diego M, Peheez M, Deeds O, & Delgado J. (2010). Breakup distress and loss of intimacy in university students. *Psychology*, 1(03), 173-177.
- Franklin AE. (2015). The role of positive psychological factors and coping strategies following a non-marital relationship breakup. (Doctor of Psychology – Clinical), The Australian National University.
- Gilbert SP, & Sifers SK. (2011). Bouncing Back from a Breakup: Attachment, Time Perspective, Mental Health, and Romantic Loss. *Journal of College Student Psychotherapy*, 25(4), 295-310.
- Hammock G, & Richardson DS. (2011). Love Attitudes and Relationship Experience. *The Journal of Social Psychology*, 151(5), 608-624.
- Hawley AR, Mahoney A, Pargament KI, & Gordon AK. (2015). Sexuality and spirituality as predictors of distress over a romantic breakup: Mediated and moderated pathways. *Spirituality in Clinical Practice*, 2(2), 145-159.
- Hebert S, & Popadiuk N. (2008). University students' experiences of nonmarital breakups: A grounded theory. *Journal of College Student Development*, 49(1), 1-14.
- Johnson J, Panagioti M, Bass J, Ramsey L, & Harrison R. (2017). Resilience to emotional distress in response to failure, error or mistakes: A systematic review. *Clin Psychol Rev*, 52, 19-42.
- Locker Jr L, McIntosh WD, Hackney AA, Wilson JH, & Wiegand KE. (2010). The Breakup of Romantic Relationships: Situational Predictors of Perception of Recovery. *North American Journal of Psychology*, 12(3), 565-578.
- Mahmoudi Panah H, Sohrabi F, & Jafari A. (2019). Relational Breakup and Anxiety Experience in Kurdistan University Students in 2018. *Third International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences, Management and Psychology*. (In Persian)
- Marshall TC, Bejanyan K, & Ferenczi N. (2013). Attachment Styles and Personal Growth following Romantic Breakups: The Mediating Roles of Distress, Rumination, and Tendency to Rebound. *PLoS ONE*, 8(9), 1-11.
- Perilloux C, & Buss DM. (2008). Breaking up romantic relationships: Costs experienced and coping strategies deployed. *Evolutionary Psychology*, 6(1), 164-181.
- Rhoades GK, Kamp Dush CM, Atkins DC, Stanley SM, & Markman HJ. (2011). Breaking up is hard to do: The impact of unmarried relationship dissolution on mental health and life satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 25(3), 366-374.
- Sadock BJ, & Sadock VA. (2011). Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sohrabi F, Yousefi U, & Mahmoudi Panah H. (2019). The Prevalence of relationship breakup and its Effects on Students' Functioning in Kurdistan University 2018. *Third International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences, Management and Psychology*. (In Persian)
- Tardast K, & Aman Allahy A. (2015). Prediction of general health based on the components of self-compassion among Ahwaz universities

- girls with love breakup experience. Family Research, 43(11), 385-407. (In persian)
- Waller KL, & Mac Donald TK. (2010). Trait Self-Esteem Moderates the Effect of Initiator Status on Emotional and Cognitive Responses to Romantic Relationship Dissolution. Journal of Personality, 78(4), 1271-1299.
- Wrape ER, Jenkins SR, Callahan JL, & Nowlin RB. (2016). Emotional and Cognitive Coping in Relationship Dissolution. Journal of College Counseling, 19(2), 110-123.
- Yousefi U, Jafari A, Mahmoudi Panah H, & Sohrabi F. (2019). Experience of relationship breakup and its relation to depression in students of Kurdistan University in 2018. Third International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences, Management and Psychology. (In persian).

